

خونخواره تری

ای که اعجوبه بیداد گری
و ای که از روز جزا بی خبری
خون آدم منی رنگین تو شد
بسکه وحشی صفت و سینه دری
کار دد خردن خون بشر است
تو مریزان و مخور ار بشری
به گذرگاه خون آلود زمان
همه گویند که خونخواره تری
به سراپرده بیگانه ، چرا ؟
اینقدر بی خبر از پا و سری
همچو ماری که به گنجینه خزد
سخت دلباخته سیم و زری
گرچه بیگانه بهشت ات بدهد
عاقبت در بر تحت السقری
گرسرپای تو سنجیده شود
لکه ننگ درین بوم و بری
ایدل خون شده آخر تو چرا
میکنی درهمه جا پرده دری ؟
جون 2014- تورنتو